

فصلنامه حقوق اداری

سال هشتم، بهار ۱۴۰۰، شماره ۲۶

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی

محمد رضا جوان جعفری^۱؛ علی اکبر گرجی ازندریانی^۲ مرتضی نجابت خواه^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

چکیده

پیشینه مسئولیت مدنی به گذشته‌های دور برمی‌گردد؛ اما تأمین اجتماعی به مفهوم مدرن آن، حاصل تحولات و ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی قرون اخیر است. قواعد مسئولیت مدنی، جبران زیان‌های گسترده‌تری را پوشش می‌دهد و در مقابل، تأمین اجتماعی محدود به زیانهای شخصی است (نظیر زیان ناشی از سلب امکان کسب درآمد، و ارائه مزایای درمانی). در عین حال، ممکن است در خصوص زیان‌های شخصی بین این دو نظام، تداخل ایجاد شود. در این زمینه، چهار راه حل متفاوت قابل تصور است: ۱. جمع مزایای تأمین اجتماعی و خسارات، ۲. جایگزینی کامل مسئولیت مدنی با تأمین اجتماعی، ۳. جایگزینی جزئی تأمین اجتماعی و ۴. تعامل مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی.

در این خصوص، این بحث مطرح خواهد بود که اولاً؛ به لحاظ سیاست‌گذاری حقوقی، پذیرش کدام یک از رویکردهای مذکور از سوی قانون‌گذار مطلوب‌تر و عادلانه‌تر خواهد بود، و ثانیاً؛ با توجه به قوانین موجود، کدام یک از این رویکردها پذیرفته شده است. اجمالاً به نظر می‌رسد راه حل سوم، مطلوب‌تر و عادلانه‌تر است و هر چند با تفسیر نادرستی که از مقررات موجود به عمل آمده است، در حقوق ایران عملاً، راه حل اول اعمال می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تأمین اجتماعی، مسئولیت مدنی، رجوع، حادثه، ضرر بدنی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد تهران شمال، تهران، ایران
mjavanjafari@yahoo.com

۲- دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
a_gorji@sbu.ac.ir

۳- دانشیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر
m.nejabatkhah@gmail.com

مقدمه

مسئولیت مدنی زمانی مطرح می‌شود که عمل زیانبار شخصی (که معمولاً می‌بایست با تقصیر همراه باشد)، سبب ورود زیان به غیر شود. در مقابل، برای بهره‌مندی از مزایای تأمین اجتماعی، انتساب زیان وارده به عمل شخص دیگر شرط نیست و شخص دارای شرایط بهره‌مندی از مزایای تأمین اجتماعی، مستحق دریافت این مزایا خواهد بود؛ حتی اگر علت وقوع زیان نامشخص باشد، یا ناشی از عوامل غیرانسانی باشد و ... بنابراین، تأمین اجتماعی از این حیث، قلمروی گسترده‌تری از حوادث زیانبار را تحت پوشش قرار می‌دهد. باین‌حال، مواردی قابل‌تصور است که شخصی که در اثر یک حادثه، صدمه دیده‌است، هم بر اساس قانون تأمین اجتماعی و هم بر اساس قواعد مسئولیت مدنی، مستحق دریافت مزایا و جبران خسارت باشد. یکی از موارد مهم تداخل مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی، از کارافتادگی یا نقص عضو بیمه‌شده در نتیجه حوادث ناشی از کار و نیز بیماری‌های حرفه‌ای است. در این موارد، کارگر بیمه‌شده با استناد به مقررات تأمین اجتماعی، علاوه بر بهره‌مندی از مزایای درمانی، مستحق دریافت غرامت نقص عضو یا مستمری از کارافتادگی کلی یا جزئی خواهد بود. در عین حال، چنانچه صدمه وارده، مستند به تقصیر کارفرما و سایر کارگران یا اشخاص خارج از کارگاه باشد؛ امکان استناد کارگر به قواعد مسئولیت مدنی برای رجوع به عامل وقوع حادثه، قابل بحث است. در چنین مواردی، این پرسش مطرح است که اساساً آیا پس از دریافت مزایای تأمین اجتماعی، امکان رجوع کارگر به عامل ورود زیان بر اساس قواعد مسئولیت مدنی وجود دارد یا خیر؟ در صورت پذیرش امکان رجوع وی، این رجوع نسبت به تمام خسارت وارده خواهد بود، یا مزایای تأمین اجتماعی دریافتی از میزان مسئولیت عامل زیان کسر می‌شود؟ بحث دیگری که مطرح است، مربوط به امکان رجوع نهاد تأمین اجتماعی به عامل ورود زیان، به ویژه کارفرمایی است که با پرداخت حق بیمه، در تأمین منابع مالی نظام تأمین اجتماعی، نقش مهمی ایفا نموده‌است.

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی ۵۹

پاسخ این سؤالات به رابطه بین تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی برمی گردد که در این خصوص، چهار راه حل قابل تصور است. اگر این رابطه بر مبنای جایگزینی کامل^۱ تفسیر شود؛ تأمین اجتماعی، کاملاً جایگزین مسئولیت مدنی شده است؛ در نتیجه، کارگر زیان دیده فقط مستحق دریافت مزایای تأمین اجتماعی است. اگر این رابطه بر مبنای جایگزینی جزئی^۲ تفسیر شود، هرچند تأمین اجتماعی به طور کلی جایگزین مسئولیت مدنی نشده است؛ اما به طور خاص در خصوص حوادث ناشی از کار، این امر محقق شده است و کارگر فقط حق رجوع به تأمین اجتماعی را دارد و جز در موارد استثنایی، حق رجوع به کارفرما یا کارگران وی برای مطالبه زیان هایی که از شمول تأمین اجتماعی خارج بوده است را ندارد و نهاد تأمین اجتماعی نیز حق رجوع به ایشان بابت مطالبه خسارت پرداختی را ندارد. اگر مزایای تأمین اجتماعی، مستقل از مسئولیت مدنی در نظر گرفته شود، زیان دیده حق خواهد داشت که مجموع^۳ مزایای تأمین اجتماعی و خسارات مسئولیت مدنی را دریافت نماید و در احتساب خسارات مسئولیت مدنی، مزایای تأمین اجتماعی از مبلغ خسارت کسر نمی شود. راه حل آخر، ناظر بر تعامل^۴ تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی در جبران زیان وارده به بیمه شدگان تأمین اجتماعی است و بر اساس آن، تأمین اجتماعی نقش اولیه ای در ارائه مزایای حداقلی به بیمه شده ایفا می کند و به دنبال آن، بیمه شده حق خواهد داشت برای دریافت خسارت تکمیلی به عامل ورود زیان (اعم از کارفرما یا اشخاص ثالث) مراجعه نماید.

لازم به ذکر است که این بحث در خصوص رابطه تأمین اجتماعی و بیمه های تجاری نیز قابل طرح است و راه حل آن در خصوص بیمه های مسئولیت مدنی، بیشتر تابع راه حل است که در رابطه

تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی پذیرفته شده است. (Faure & Hartlief, 2002 : 236)

در نظام های حقوقی مختلف برای رفع تداخل مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی، یکی از راه حل های بالا پذیرفته شده است. در این مقاله، برآنیم تا با بررسی مبانی، مزایا و ایرادات هر یک از راه حل های فوق، راه حل مطلوب تر را برگزینیم؛ همچنین بررسی خواهد شد که با توجه به

-
- 1- Entire replacement
 - 2 -Partial replacement
 - 3- Cumulation
 - 4- Interplay

قوانین و مقررات فعلی، در حقوق ایران کدام راه حل قابل پذیرش است. در عین حال، قبل از ورود به این مباحث و بررسی راه حل های مذکور تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی، به لحاظ هدف، شرایط و آثار مقایسه خواهند شد.

برای این منظور، مطالب این مقاله در سه مبحث ارائه خواهد شد. مبحث اول به موضوع مقایسه تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی اختصاص می یابد، در مبحث دوم به موضوع رابطه تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی خواهیم پرداخت و در مبحث سوم، نظریات ارائه شده در حقوق ایران در خصوص رابطه مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی بررسی می شود.

۱. مقایسه مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی

برای بررسی رابطه بین مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی، شناخت اوصاف و ویژگی های آنها ضروری است. برای این منظور در این مبحث، مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی از جهات اوصاف مختلفی نظیر: هدف، مبنا، شرایط و... مقایسه خواهند شد.

۱-۱. مقایسه هدف مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی

از نظر هدف مسئولیت مدنی، بین رویکرد حقوقدانان سنتی و طرفداران نگرش اقتصادی به حقوق، تفاوت وجود دارد؛ در حالی که حقوقدانان سنتی بر جبران زیان های وارده در گذشته^۱ تأکید می کنند؛ طرفداران نگرش اقتصادی به حقوق بر پیشگیری نسبت به آینده^۲ اصرار می ورزند و مسئولیت مدنی را به عنوان ابزاری در نظر می گیرند که از انجام فعالیت هایی که اجتناب از آنها از طریق قواعد مسئولیت ممکن است، پیشگیری می کند (بازدارندگی). (Faure & Hartlief, 2002: 224)

در نتیجه، از منظر طرفداران نگرش اقتصادی به حقوق، مسئولیت مدنی اصولاً به عنوان یک نظام تغییر رفتار در نظر گرفته می شود و بر اساس آن، پیش بینی مسئولیت مدنی برای یک حادثه، اشخاص را به تغییر رفتار (از طریق اتخاذ تمهیدات پیشگیرانه) قبل از تحقق حوادث تشویق می کند. با این تحلیل، اینکه زیان وارده به زیان دیده، پس از تحقق حادثه جبران می شود، به عنوان هدف مسئولیت مدنی دیده نمی شود؛ بلکه مسئولیت مدنی به عنوان ابزاری در

1- Ex post

2- Ex ante

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی ۶۱

نظر گرفته می‌شود که انگیزه‌های کافی برای انجام رفتار پیشگیرانه از سوی عامل زیان بالقوه ایجاد می‌کند. (Faure & Hartlief, 2002: 225)

به هر حال، در حقوق ایران؛ مشهور حقوقدانان، هدف اصلی مسئولیت مدنی را جبران خسارت وارده به زیان دیده می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۳۰)؛ (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۴۷) هر چند، برخی معتقدند که نمی‌توان در ترسیم قواعد مسئولیت مدنی، هدف یکسانی در نظر گرفت و در مسائل مختلف، مسئولیت مدنی اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند؛ گاه جبران خسارت مدنظر بوده است و گاه، بازدارندگی و حفظ حقوق و آزادی عمل افراد هدف قرار گرفته است. (بابایی، ۱۳۹۴: ۲۲) در خصوص تأمین اجتماعی، گفته شده است هدف معمول آن تا حد امکان، از بین بردن یا کاهش^۱ رنج‌هایی است که فقر ایجاد یا تشدید می‌کند (Saint-Pierre, 1955: 196) و در کنار آن، توانبخشی و برگرداندن قدرت کار کردن به وی و آماده کردن وی برای بازگرداندن به زندگی کاری است (عراقی، بادینی و شهابی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

از نظر اقتصادی، می‌گویند تأمین اجتماعی عمدتاً یک نظام جبران است که هدف اصلی آن، ارائه جبران مناسب (بابت هزینه‌های درمان یا درآمد از دست رفته)، صرف نظر از منشأ بیماری یا صدمه وارده است. (Faure & Hartlief, 2002: 225) البته برخی پیشگیری را نیز به عنوان یکی از اهداف تأمین اجتماعی در نظر گرفته‌اند و حتی معتقدند که لازم است «نقش و جایگاه تأمین اجتماعی در امر پیشگیری تبیین و مورد بازنگری قرار گیرد.» (عراقی، بادینی و شهابی، ۱۳۸۶: ۱۴۱)؛ با این حال، به نظر می‌رسد ظرفیت اعمال تدابیر پیشگیرانه از سوی نهاد تأمین اجتماعی وجود ندارد و برای پیشگیری از تحقق حوادث می‌بایست به سایر شاخه‌های حقوق نظیر حقوق کیفری، مسئولیت مدنی یا مقررات مربوط به امنیت حرفه‌ای پناه برد که از قلمروی حقوق تأمین اجتماعی خارج هستند. چنانچه گفته شده است: «پرداخت‌های صورت گرفته از سوی نهاد تأمین اجتماعی را نمی‌توان به نحوی تفسیر نمود که هدف اصلی آنها پیشگیری باشد و تأمین اجتماعی سنتی بر جبران زیان متمرکز است.» (Faure & Hartlief, 2002: 226) بنابراین، از منظر اقتصادی، در مقام مقایسه تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی می‌توان گفت که از نظر اقتصادی، هدف اصلی تأمین اجتماعی؛ جبران است؛ در حالی که هدف اصلی مسئولیت مدنی،

1- Prévenir ou d'atténuer

بازدارندگی است. (Faure & Hartlief, 2002: 225) البته گفته شده، بین سطح حمایت‌های تأمین اجتماعی و نقش بازدارنده مسئولیت مدنی، رابطه وجود دارد و هرچه قلمروی حمایت تأمین اجتماعی گسترش یابد؛ مسئولیت مدنی، بیشتر به سوی کارکرد بازدارنده سوق داده می‌شود و برعکس، هرچه سطح حمایت‌ها کمتر می‌شود، مسئولیت مدنی بیشتر می‌بایست کارکرد جبرانی/ حمایتی داشته باشد (Magnus, 2002: 279).

با این وجود، چنانچه گفته شد، از نظر حقوقی؛ هدف مسئولیت مدنی، جبران خسارت وارده به زیان دیده است و اگر هدف تأمین اجتماعی نیز جبران در نظر گرفته شود، از این حیث، این دو نهاد؛ هدف واحدی را دنبال می‌کنند. البته نوع جبرانی که از سوی تأمین اجتماعی انجام می‌شود، از جبرانی که از مسئولیت مدنی انتظار می‌رود متفاوت است. به عبارت دیگر، منظور از جبران، صرفاً جبران ضرر نیست؛ بلکه معنای جبران، ترمیم یک جنبه نامطلوب از شرایط یا وضعیت زندگی اشخاص است. با این تعبیر، جبران به دو نوع جبران اصلاحی^۱ و جبران بازتوزیعی^۲ تقسیم شده است. جبران اصلاحی از سوی مسئولیت مدنی تأمین می‌شود و بر اساس آن، شخص باید به وضعیت قبل از ورود زیان برگردانده شود؛ در مقابل، در جبران بازتوزیعی، وضعیت شخص با گذشته او (قبل از ورود زیان) مقایسه نمی‌شود؛ بلکه به جای آن، وضع شخص با موقعیتی که سایر اشخاص دارند، مقایسه می‌شود. این نوع جبران از سوی تأمین اجتماعی و نظام‌های رفاه اجتماعی تأمین می‌شود. هدف اصلی این سیستم‌ها، کاهش تفاوت‌های بین اشخاص از طریق انتقال منابع از افراد دارا تر به افراد با دارایی کمتر، از افراد سالم به سوی بیماران و از ثروتمند به سوی غیرثروتمند است. جبران بازتوزیعی، اساساً دید نسبت به آینده دارد؛ در حالی که جبران اصلاحی به گذشته نظر دارد. (Cane, 2006: 10)

به همین دلیل، برخی کارکرد تأمین اجتماعی را با توجه به عدم رعایت اصل جبران کامل خسارت و توجه به نیاز زیان دیده، حمایت اجتماعی و به عبارت دیگر، حمایت از تمامیت جسمی^۳

1 - Corrective compensation
2 - Redistributive compensation
3 - Protection of bodily integrity

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی ۶۳

زیان دیده دانسته‌اند و از این حیث گفته شده که تأمین اجتماعی برای زیان دیده، به عنوان «کمر بند ایمنی اجتماعی»^۱ عمل می‌کند. (Magnus, 2002: 279)

۲-۱. تمایز در مبنا

در حالی که در حقوق ایران، نظریه تقصیر به عنوان قاعده کلی پذیرفته شده است و در موارد استثنایی، نظریه خطر مبنا قرار گرفته است؛ در خصوص مبنای تأمین اجتماعی گفته شده است که جبران زیان‌های برخاسته از حوادث ناشی از کار یا بیماری‌های حرفه‌ای در قالب تأمین اجتماعی، به مسئولیت بدون تقصیر می‌ماند (Voirin, 1979: 541). این نظر ممکن است از این جهت که برای تحقق تعهد نهاد تأمین اجتماعی به ارائه مزایا، اثبات انتساب زیان وارده به تقصیر، یا حتی عمل یک عامل زیان لازم نیست، قابل توجیه باشد؛ با این حال، مبنای طرح‌های تأمین اجتماعی را نباید در اوصاف عمل واردکننده زیان جستجو نمود؛ بلکه مبنای اصلی ایجاد حق بر تأمین اجتماعی، رفع یک نیاز خاص بیمه شده (Lunney & Oliphant, 2013: 950) و ایجاد امکان دستیابی به شرایط حداقلی زندگی برای وی است؛ بنابراین، در تأمین اجتماعی به این توجه نمی‌شود که چرا شخص در این وضعیت قرار گرفته و چه عاملی سبب ایجاد این وضعیت برای وی شده است؛ بلکه به این توجه می‌شود که آیا انصاف و انسانیت، بهبود آن وضعیت را ضروری می‌داند یا خیر؟ (Cane, 2006: 412) به همین دلیل است که برخی معتقدند حمایت‌ها و مزایای تأمین اجتماعی منشأ انسانی دارند (بادینی، ۱۳۸۷: ۴۲).

۳-۱. مقایسه شرایط تحقق مسئولیت مدنی و شرایط اعطای مزایای تأمین اجتماعی

برای تحقق مسئولیت مدنی، اجتماع سه رکن فعل زیانبار (که چنانچه مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر باشد، می‌بایست همراه با تقصیر باشد)، ورود زیان، و وجود رابطه سببیت بین زیان وارده و فعل زیانبار برای تحقق مسئولیت مدنی ضروری است و قواعد مسئولیت مدنی زمانی اعمال می‌شود که خسارت، ناشی از حادثه‌ای باشد که طی آن، شخص ثالثی برای سبب ورود زیان شدن، مسئول شناخته شود. (Faure & Hartlief, 2002: 225) در حالی که این شرط در ارائه

1 - Social seat belt

مزایای تأمین اجتماعی وجود ندارد و جبران در تأمین اجتماعی، در صورت تحقق شرایط قانونی، صرف نظر از علت صدمات وارده انجام می‌شود (Lunney & Oliphant, 2013: 960). استحقاق زیان دیده بر مزایای تأمین اجتماعی، صرف نظر از این خواهد بود که زیان وارده به وی، مستند به تقصیر کارفرما یا سایر اشخاص باشد و صرف ورود خسارت برای جبران کافی خواهد بود. (Faure & Hartlief, 2002: 229) همین ویژگی سبب شده تا برخی، نظام تأمین اجتماعی را مبتنی بر مسئولیت محض^۱ بدانند. (WAGNER, 2012: 5)؛ باین حال، برای تحقق مسئولیت محض، وجود فعل زیانبار و رابطه سببیت بین فعل مذکور و زیان وارده ضروری است؛ اما برای تحقق حق بیمه شدگان بر تأمین اجتماعی، صرف ورود زیان کافی است و ضرورتی وجود ندارد که این زیان، مستند به حادثه خاصی باشد، یا بین حادثه و زیان وارده به بیمه شده، رابطه سببیت باشد. البته در موارد استثنایی (نظیر غرامت نقص عضو یا مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از کار)، اعطای برخی مزایا، مشروط شده به اینکه زیان منتسب به یک حادثه، ناشی از کار باشد؛ اما در این موارد نیز نیازی نیست که حادثه ناشی از تقصیر کارفرما باشد؛ بلکه هر نوع حادثه‌ای که به هر نحو، ناشی از کار تلقی شود، برای استحقاق زیان دیده کافی خواهد بود.

مبنای این تفاوت چنین است که تأمین اجتماعی به جای تمرکز بر عمل زیانبار، بر زیان وارده متمرکز است (Cane, 2006: 10) و زیان وارده را از نگاه زیان دیده و با توجه به نیاز وی، می‌نگرد؛ در حالی که مسئولیت مدنی، زیان وارده را از نگاه عامل ورود زیان و با توجه به رفتار وی مدنظر قرار می‌دهد. (Faure & Hartlief, 2002: 229)؛ (Magnus, 2002: 279) باین وجود، برای ایجاد حق بر تأمین اجتماعی نیز لازم است زیان دیده، یک وضعیت خاص^۲ (نظیر بیماری، از کارافتادگی، فوت و ...) را ثابت کند و این وضعیت، مطابق شرایط قانونی مقرر^۳ برای ارائه مزایا باشد (Faure & Hartlief, 2002: 225) و این گونه نیست که مزایای تأمین اجتماعی بدون قید و شرط در دسترس آحاد جامعه باشد.

- 1- Strict liability
- 2- Certain condition

۳ - این شرایط عمدتاً به داشتن سابقه پرداخت حق بیمه یا در مواردی، حد مشخصی از سابقه و در برخی موارد، ناشی از کار بودن حادثه یا حرفه‌ای بودن بیماری مربوط می‌شود.

۴-۱. مقایسه تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی از حیث قلمروی خسارات قابل جبران

برای مقایسه تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی، از این منظر، به دو موضوع می‌بایست توجه نمود؛ از یک سو، قلمروی زیان‌های قابل جبران در مسئولیت مدنی، گسترده‌تر از زیان‌های قابل جبران در تأمین اجتماعی است و برخی زیان‌هایی که در مسئولیت مدنی جبران می‌شود، از شمول تأمین اجتماعی خارج است. از سوی دیگر، در خصوص زیان‌هایی نیز که در شمول قانون تأمین اجتماعی هستند؛ برخلاف مسئولیت مدنی، اصل حداقلی بودن مزایای تأمین اجتماعی مانع از جبران کامل خسارت است. برای این منظور، در ادامه از این دو منظر به مقایسه تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱. عدم رعایت اصل جبران کامل خسارت در تأمین اجتماعی

هدف تأمین اجتماعی، ارائه جبران کافی، و نه لزوماً کامل برای زیان وارده به زیان‌دیده است (Magnus, 2002: 278) و مطابق اصل حداقلی بودن مزایای تأمین اجتماعی^۱، جبران ارائه‌شده از سوی تأمین اجتماعی معمولاً از نظر دوره ارائه مزایا و نیز از نظر مقدار محدود است. (Faure & Hartlief, 2002: 230)؛ بنابراین، خدمات ارائه‌شده از طریق تأمین اجتماعی، تنها شامل جبران جزئی خسارت وارده می‌شود (Viney, 2009: 48). علت این ویژگی، ناتوانی نظام تأمین اجتماعی در ارائه جبران کامل خسارت و نیز لزوم گسترش پوشش تأمین اجتماعی به بیشترین تعداد زیان‌دیدگان است.^۲ در مقابل، در مسئولیت مدنی؛ اصل جبران کامل خسارت^۳ حاکم است که بر اساس آن، شخص مسئول می‌بایست زیان‌دیده را تا حد امکان به وضعیت سابق خود برگرداند^۴ (WAGNER, 2012: 7) و در عین حال، مسئولیت مدنی نباید موجب بهتر شدن وضعیت زیان‌دیده نسبت به زمان قبل از ورود خسارت شود. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۴۷).

1- Existenzsicherung

۲ - مبنای طرح‌های مبتنی بر بیمه‌های اجتماعی، عدالت توزیعی است و سعی بر آن می‌شود تا بیشترین تعداد زیان‌دیدگان، تحت پوشش قرار گیرند. این امر به ناچار منجر به محدود شدن میزان و قلمروی خسارت قابل جبران می‌شود. (بادینی، ۱۳۸۴، ص. ۵۸۹)

3- Le principe de réparation intégrale du préjudice

4 - "Make the victim whole again"

یکی از آثار اعمال اصل لزوم جبران کامل خسارت در مسئولیت مدنی، این است که در دعاوی مسئولیت مدنی می‌بایست میزان خسارت در هر پرونده به طور خاص با توجه به خسارت واقعی وارده به زیان‌دیده تعیین شود و تعیین خسارت به طور مقطوع، مغایر این اصل خواهد بود؛ چرا که با تعیین مقطوع خسارت، این امکان وجود دارد که مبلغ مقطوع تعیین شده، حسب مورد بیشتر یا کمتر از خسارت واقعی وارده باشد؛ در مقابل، جبران خسارت از طریق تأمین اجتماعی دارای وصف مقطوع است و تعیین خسارت قابل جبران با ارزیابی میزان واقعی زیان وارده در هر پرونده خاص از سوی قاضی به عمل نمی‌آید. (Voirin, 1979: 542)؛ بلکه به جای آن، میزان مزایای تأمین اجتماعی به صورت نوعی از سوی قانون‌گذار، تعیین می‌شود و در محاسبه آن به زیان واقعی وارد شده توجه نمی‌شود. (Magnus, 2002: 277) به همین دلیل است که گفته شده، ارائه مزایای تأمین اجتماعی به صورت انتزاعی و مستقل از اوضاع و احوال حاکم بر پرونده صورت می‌گیرد. (WAGNER, 2012: 9)

۲-۴-۱. قلمرو محدود زیان‌های تحت پوشش تأمین اجتماعی

در مسئولیت مدنی در موارد زیان‌های بدنی، عامل زیان در برابر هزینه‌های درمانی؛ جبران کامل حقوق از دست‌رفته، و هر زیان مالی دیگری مسئول است که در نتیجه عمل زیانبار به زیان‌دیده وارد شده است؛ در مقابل، جبران زیان از طریق تأمین اجتماعی، همه زیان‌های وارده به کارگران را شامل نمی‌شود. قلمروی حمایت آنها به انواع خاصی از زیان محدود می‌شود که شامل زیان شخصی^۱، بیماری و مرگ است. زیان‌های وارده به اموال و ضرر مالی صرف^۲، خارج از قلمروی حمایت تأمین اجتماعی است. (WAGNER, 2012: 7)؛ چرا که موضوع بیمه‌های اجتماعی اصولاً تنها اشخاص است و اموال را دربر نمی‌گیرد؛ در حالی که مسئولیت مدنی شامل: خسارات وارده به اشخاص و اموال می‌شود (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۹۰).

همچنین در مسئولیت مدنی، اصولاً جبران کامل زیان‌های غیرمالی و معنوی نظیر درد و رنج ناشی از صدمات وارده پذیرفته شده است؛ در حالی که جبران این زیان‌ها از قلمرو تأمین اجتماعی

1- Caractère forfaitaire
2- Personal injury
3 -Pure financial losses

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی ۶۷

خارج است. (WAGNER, 2012: 7) چنانچه در بندهای ۱۳ و ۱۴ ماده ۲ قانون تأمین اجتماعی، کاهش قدرت کار بیمه به عنوان معیار ارزیابی از کارافتادگی کلی یا جزئی در نظر گرفته شده است، نه آسیب‌های جسمی وارده به شخص.

در واقع، در حقوق تأمین اجتماعی، معیار جبران خسارت از کارافتادگی؛ کاهش توانایی اشتغال یا درآمد مربوط به شغلی است که با اشتغال در آن، حق بیمه پرداخت شده است، نه صرفاً نقص عضو.

۳-۴-۱. ارائه مزایای تأمین اجتماعی در مواردی که زیان به مفهوم مرسوم در مسئولیت مدنی مصداق ندارد

برای تحقق مسئولیت مدنی لازم است که زبانی تحت تأثیر عمل غیر به شخصی وارد شود. این زیان دارای مفهوم عرفی است و شامل هرگونه صدمه مادی یا معنوی وارده به شخص می‌شود. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۹۷). با این حال، برخی حمایت‌های تأمین اجتماعی (نظیر حمایت از اشخاص در برابر پیری) فراتر از مفهوم متعارف جبران خسارت است (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۹۰) و در مواردی اعطا می‌شود که زیان به مفهوم مرسوم آن رخ نداده است.

۵-۱. عدم تأثیر نقش زیان دیده بر تأمین اجتماعی

مطابق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، چنانچه تقصیر زیان دیده در ورود زیان، مشارکت داشته باشد؛ اگر نحوه مشارکت تقصیر وی موجب قطع رابطه سببیت بین عمل شخص خطاکار و زیان وارده شود؛ به گونه‌ای که عرف زیان وارده را منحصرأ ناشی از عمل زیان دیده بداند؛ مسئولیت شخص خطاکار از بین خواهد رفت و همه زیان وارده به زیان دیده تحمیل می‌شود (ماده ۵۰۷ قانون مجازات اسلامی)؛ اما اگر زیان دیده، علت منحصر زیان نباشد؛ ولی بخشی از زیان وارده، ناشی از تقصیر او باشد، در این صورت به نسبت درجه تأثیر، تقصیر وی بر ورود زیان، از میزان خسارت قابل جبران کسر می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ص. ۲۱۶).

در مقابل، نهاد تأمین اجتماعی نمی‌تواند با اثبات اینکه کارگر سبب ورود خسارت شده است، از جبران خسارت امتناع کند (WAGNER, 2012: 5) و تقصیر زیان دیده، اصولاً، تأثیری در ارائه

مزایای تأمین اجتماعی ندارد؛ هر چند ممکن است در برخی نظام‌های حقوقی در موارد اقدامات عمدی زیان‌دیده مؤثر باشد. (Faure & Hartlief, 2002: 231)

مبنای این تفاوت در آن است که چنانچه گفته شد، مبنای ارائه مزایای تأمین اجتماعی؛ رفع نیاز بیمه‌شده‌است و ارائه مزایای تأمین اجتماعی، صرف‌نظر از سبب بیماری یا از کار افتادگی صورت می‌گیرد (Faure & Hartlief, 2002: 230) و به همین دلیل است که حتی اگر تقصیر خود زیان‌دیده، زمینه‌ساز ورود خسارت شده باشد، این امر اصولاً مانع تقاضای زیان‌دیده برای دریافت مزایای تأمین اجتماعی نمی‌شود. دلیل دیگری که می‌توان برای این ویژگی تأمین اجتماعی ارائه نمود، به ارتباط آن با معاش بیمه‌شده و خانواده وی بر می‌گردد. در واقع، حتی اگر زیان‌دیده به واسطه تقصیر خود در ورود خسارت، نقش داشته باشد؛ محروم‌نمودن وی از امرار معاش، کیفر عادلانه‌ای برای تقصیر وی نخواهد بود؛ ضمن اینکه خانواده وی نیز که از مزایای تأمین اجتماعی بهره‌مند می‌شوند، اساساً استحقاق تحمل چنین کیفری را ندارند. باین‌حال، در حقوق فرانسه مطابق بند ۱ ماده 1453-1، اگر حادثه ناشی از تقصیر عمدی زیان‌دیده باشد، بیمه‌شده حق دریافت مستمری یا غرامت را نخواهد داشت و اگر تقصیر غیرقابل‌اغماض وی موجب حادثه باشد، کاهش مزایای وی پیش‌بینی شده‌است (Terré, Simler, & Lequette, 2005).

۶-۱. تمایز در تشریفات رسیدگی

برای اثبات و اعمال قواعد مسئولیت‌مدنی، جز در موارد استثنایی که طرفین بدون‌مراجعه به دادگاه بر میزان خسارت قابل‌جبران مصالحه می‌کنند، اصولاً رجوع زیان‌دیده به دادگاه و اقامه دعوای مسئولیت‌مدنی لازم است.

در مقابل، ارائه مزایای تأمین اجتماعی بدون رعایت تشریفات مرسوم موجود برای اقامه دعوای مسئولیت‌مدنی به عمل می‌آید. کارگر درخواست خود را برای دریافت مزایا ارائه می‌کند و در صورت رد درخواست وی از سوی نهاد تأمین اجتماعی، در غالب نظام‌های حقوقی از طریق روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات^۱ و در ایران، دیوان عدالت اداری، اختلاف وی بررسی

1 - Alternative dispute resolution

می‌شود؛ در نتیجه ارائه مزایای تأمین اجتماعی در غالب موارد، ارائه مزایا بدون دخالت دادگاه صورت گیرد (WAGNER, 2012: 9).

این ویژگی هم سبب افزایش سرعت در ارائه مزایای تأمین اجتماعی می‌شود و هم سبب کاهش هزینه‌های اداری جبران زیان از طریق تأمین اجتماعی در برابر نظام مسئولیت مدنی می‌شود (WAGNER, 2012: 9). مبنای این تفاوت نیز به نقش تأمین اجتماعی در لزوم رفع نیاز و تأمین حداقل شرایط زندگی برای زیان دیده برمی‌گردد؛ چرا که با توجه به فوریت رفع نیاز زیان دیده، اگر وی را ملزم به رجوع به دادگستری برای دریافت مزایا بدانیم، طولانی بودن جریان رسیدگی، وضعیت دشواری برای وی ایجاد می‌کند.

۲. نظریات مختلف در خصوص رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی

در مبحث قبل، مشخص شد که مجموعه کارکردهای جبران زیان‌های وارده به اشخاص، حمایت از شهروندان نیازمند و لزوم تغییر در رفتار فعالان به منظور اتخاذ تدابیر پیشگیرانه برای تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی مدنظر است. اختلاف در میزان کارآمدی هر یک از این نهادها در تحقق اهداف مذکور، سبب شده تا در خصوص سهم هر یک از آنها در جبران زیان‌های شخصی، رویکردهای متفاوتی مطرح شود. چهار رویکرد مختلف در این زمینه وجود دارد: ۱. جایگزینی کامل مسئولیت مدنی با تأمین اجتماعی. ۲. اعمال موازی نظام تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی بدون هیچگونه وابستگی متقابل بین آنها که از منظر زیان دیده به معنای جمع تمام جبران‌های ممکن است. بین این دو رویکرد افراطی، راه‌حل‌های میانه‌ای نیز وجود دارد که بر اساس آنها تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی می‌بایست جایگاه یکدیگر را لحاظ کنند: ۳. جایگزینی جزئی تأمین اجتماعی که بر اساس آن، تأمین اجتماعی در حوزه‌های خاص (به خصوص حوادث ناشی از کار)، جایگزین مسئولیت مدنی شده است. ۴. تعامل مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی که بر اساس آن، مزایای ارائه شده از سوی تأمین اجتماعی از مسئولیت مدنی کسر می‌شود. البته در کشورهایی که چنین رویکرد پذیرفته شده‌ای از حیث امکان رجوع نهاد تأمین اجتماعی به عامل زیان اختلاف هست و در حالی که در غالب کشورها، امکان رجوع نهاد

تأمین اجتماعی به عامل زیان داده می‌شود، در برخی از آنها، این حق پیش‌بینی نشده است (Faure & Hartlief, 2002: 256).

در هر حال، آنچه باید در پذیرش هر یک از رویکردهای بالا مدنظر قرار گیرد، این است که با اعمال قواعد تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی، نه باید زیان دیده دارا شود و بیش از زیانی که به وی وارد شده است، دریافت نماید و نه زیان دیده از جبران بخشی از زیانی که به وی وارد آمده، محروم شود و عامل ورود زیان به نحو غیر قابل توجیهی از مسئولیت مبرا شود (Magnus, 2002: 283).

۲-۱. جایگزینی کامل تأمین اجتماعی (حذف مسئولیت مدنی)

مطابق این رویکرد، مسئولیت مدنی در جبران خسارات بدنی، ناکارآمد بوده است و نه تنها در جبران خسارت موفق نیست؛ بلکه نقش مؤثری در زمینه بازدارندگی نیز ندارد؛ در حالی که تأمین اجتماعی، دستیابی به درمان رایگان و مزایای حداقلی لازم برای امرار معاش را به همه شهروندان نیازمند نظیر زیان دیدگان حوادث، صرف‌نظر از سبب حادثه یا تقصیر، تضمین می‌کند؛ به همین دلیل، برخی، این وضعیت را نشانه مرگ مسئولیت مدنی دانسته‌اند. (Fleming, 1984: 1195)؛ علاوه بر این، تنها جزء کوچکی از خساراتی که در جامعه ایجاد می‌شود، توسط مسئولیت مدنی جبران می‌شود و بخش بزرگ‌تر آن، توسط تأمین اجتماعی جبران می‌شود و مسئولیت مدنی تنها در شرایط خاص (انتساب زیان به عمل شخص ثالث و احتمالاً تقصیر وی) دخالت می‌کند. (Faure & Hartlief, 2002: 241) بنابراین، منظور از جایگزینی، این است که تأمین اجتماعی کاملاً مسئولیت مدنی را از میدان به در کند و جبران خسارات بدنی منحصراً بر عهده نهاد تأمین اجتماعی قرار گیرد. (Magnus, 2002: 280) در این صورت، مسئولیت مدنی به مفهوم کنونی از بین می‌رود و جای خود را به تضمین دولتی و اجتماعی می‌دهد.^۲ (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۷۰)

دلایل مختلفی در توجیه حذف مسئولیت مدنی و جایگزینی آن با تأمین اجتماعی ارائه شده است:

1 - Death of tort

۲ - عکس این قضیه هیچ‌گاه مطرح نشده که تأمین اجتماعی حذف شود و مسئولیت مدنی جایگزین آن شود. (Magnus, 2002, p. 280)

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی ۷۱

۱. ایراد اصلی که به نظام مسئولیت مدنی وارد شده، این است که هزینه‌هایش بیش از مزایای آن است و اهدافی که برای مسئولیت مدنی مطرح شده یا به دست نیامده است، یا به نحو ناکارآمدی دنبال شده است؛ به همین دلیل، جایگزینی مسئولیت مدنی با یک طرح عام جبران خسارت یا از کارافتادگی^۱ مطرح شده است.^۲ (Sugarman, 1985: 559) چرا که، تأمین اجتماعی بیشتر نیازهای مردم را به صورت کارآمدتر و ارزان‌تر تأمین می‌کند. هر چند مزایای تأمین اجتماعی از نظر میزان، کمتر از خسارات مسئولیت مدنی است؛ اما این، ما به‌ازای قابل قبولی برای کمک به عده بیشتری از نیازمندان است (Cane, 1997: 233).

۲. مسئولیت مدنی در عمل در پیشگیری از حوادث مؤثر نبوده است و به این دلیل باید رها شود. برخی نیز معتقدند که جبران سریع، کامل و متحدالشکل به راحت‌ترین شکل ممکن توسط نهادهای عمومی نظیر تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد و نیازی به وجود مسئولیت مدنی نیست (SKOGH, 1980: 67).

۳. حجم بالای خسارات قابل جبران در مسئولیت مدنی، سبب ترجیح بلامرجه به نفع کسانی می‌شود که خسارت بدنی وارده به آنها در قلمروی مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد

(Cane, 1997: 233)؛ درحالی که تعاون اجتماعی ایجاب می‌کند که خطرهای ناشی از زندگی جمعی، عادلانه توزیع شود و همه به اشتراک، این بار را به دوش بکشند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۷۰)؛ همچنین، نیاز زیان‌دیده، هیچ ارتباطی به سبب یا نوع خسارت ندارد و دلیلی برای ترجیح کسانی که در اثر فعل یا تقصیر دیگران متضرر شده‌اند، بر کسانی که بر اثر دلایلی نظیر زلزله یا صاعقه آسیب دیده‌اند، وجود ندارد (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۹۹).
با این حال جایگزینی کامل از جهات مختلف مورد ایراد قرار گرفته است:

۱. جایگزینی کامل، در مواردی که اعمال قواعد مسئولیت مدنی برای زیان‌دیده، مزایای بالاتری از آنچه تأمین اجتماعی ارائه می‌کند، به همراه دارد؛ به طور ناروا به ضرر زیان‌دیده است؛ در واقع، حذف مسئولیت مدنی و جایگزینی آن با مکانیزم‌های جبران جمعی، مستلزم این است که این

1- General accident or disability compensation

۲ -ایشان برای تأمین مالی نظام تأمین اجتماعی پیشنهاد می‌کنند، مزایای کوتاه‌مدت با استفاده از درآمدهای شرکت از سوی کارفرما پرداخت شود و منابع لازم برای مزایای بلندمدت از طریق درآمدهای مالیاتی تأمین شود. (Sugarman, 1985, : 664)

مکانیزم‌ها، تضمیناتی برابر با مسئولیت‌مدنی به زیان‌دیده ارائه نمایند. از آنجایی که این امر به دلیل محدودیت منابع مالی و نامحدود بودن میزان خساراتی که به اشخاص وارد می‌شود، ممکن نیست؛ حفظ مسئولیت‌مدنی به نفع اشخاص زیان‌دیده، به صورت یک دعوای تکمیلی یا حداقل یک اختیار در استفاده از مسئولیت‌مدنی، لازمه تحقق عدالت است (Viney, 2009: 66).

۲. جبران خسارت از طریق طرح‌های عام تأمین اجتماعی و حذف مسئولیت‌مدنی، موجب تحمیل هزینه‌های گسترده بر نهاد تأمین اجتماعی می‌شود که این هزینه‌ها می‌بایست از طریق افزایش حق بیمه‌ها یا کمک دولت جبران شود که نتایج ناعادلانه‌ای در پی خواهد داشت و موجب می‌شود که شخص مقصری که به لحاظ اخلاقی مکلف به جبران خسارت است، از مسئولیت مبرا شده و به جای آن، هزینه جبران خسارت به عموم مردم، از طریق افزایش مالیات‌ها یا عموم بیمه‌شدگان از طریق افزایش حق بیمه تحمیل شود.

۳. حذف مسئولیت‌مدنی و جایگزینی آن با تأمین اجتماعی یا طرح‌های جبران خسارت بدون تقصیر^۱، موجب تضعیف بازدارندگی و کاهش انگیزه اعمال اقدامات احتیاطی در عوامل ورود زیان در صورت حذف تهدید مسئولیت است (WAGNER, 2012: 5).

۴. نقطه ضعف طرح‌های تأمین اجتماعی عام که صرف‌نظر از علت، مزایای قابل توجه ارائه می‌کنند، خطر اخلاقی ناظر به گذشته یا به عبارت دیگر، سوءاستفاده و تقلب است. نهادهای ناظر بر تأمین اجتماعی قادر نخواهند بود به خوبی تقلب را کنترل کنند. ایراد دیگر، خطر اخلاقی ناظر به آینده^۲ در قالب کاهش احتیاط و مراقبت است (WAGNER, 2012: 59).

در حال، تاکنون تنها در نیوزیلند، یک طرح جامع تأمین اجتماعی ایجاد شده که بر اساس آن، همه مصادیق زیان‌های بدنی به جای حقوق مسئولیت‌مدنی سنتی، در قالب تأمین اجتماعی جبران می‌شوند (Magnus, 2002: 280) و نظام مسئولیت‌مدنی جبران خسارت بدنی (صرف‌نظر از نوع حادثه) الغاء شده است. (بادینی، ۱۳۸۴: ۶۰۴) در کشورهای نظیر انگلستان و هلند^۳ نیز که

1 - No-fault schemes

2 - Ex post moral hazard, i.e., abuse and fraud

3 - Ex ante moral hazard

۴ - این رژیم در هلند با قانون حوادث ۱۹۰۱ ایجاد شد و به موجب آن برای کارگران مزایای تأمین اجتماعی پیش بینی شد و برای کارفرما تقریباً مصونیت در نظر گرفته شد. (Faure & Hartlief, 2002, p. 256)

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی ۷۳

در گذشته به این سمت گرایش داشتند، امروزه سیستم‌های جبران خسارت کارگران رها شده و ترکیبی از مزایای عام تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی کارفرما، جایگزین آن شده است. (WAGNER, 2012: 59)

بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به ناتوانی تأمین اجتماعی در جبران کامل خسارت از یک سو و نقشی که مسئولیت مدنی در تحقق بازدارندگی دارد، الغای کامل مسئولیت مدنی آرمانی دست نیافتنی و دور از واقعیت بوده (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۹۰) و جایگزینی کامل مسئولیت مدنی با تأمین اجتماعی، مطلوب نیست. (WAGNER, 2012: 59) هر چند، تردیدی نیست که گسترش تأمین اجتماعی سبب کاهش اهمیت مسئولیت مدنی شده است (Viney, 2009: 77).

۲-۲. جایگزینی جزئی تأمین اجتماعی

۲-۲-۱. مفهوم و جایگاه جایگزینی جزئی در نظام‌های حقوقی

منظور از جایگزینی جزئی، جایگزینی تأمین اجتماعی به جای مسئولیت مدنی در زمینه برخی حوادث، به خصوص حوادث ناشی از کار بوده است و شامل جایگزینی آن به صورت عام و نسبت به همه حوادث نمی‌شود. (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۹۵) نتیجه جایگزینی جزئی در حوزه حوادث ناشی از کار، این خواهد بود که کارفرما و گاه کارگران یا مدیران وی از مسئولیت مدنی (چه در قالب رجوع نهاد تأمین اجتماعی به وی و چه در قالب رجوع زیان دیده به کارفرما بابت مطالبه مابه‌التفاوت مزایای تأمین اجتماعی و زیان وارده) مصون باشد. (Magnus, 2002: 280)

بنابراین، جایگزینی جزئی بر اصل مصونیت کارفرما از مسئولیت مدنی^۱ استوار است. منظور از اصل مصونیت کارفرما از مسئولیت مدنی، عدم امکان اقامه دعوای مسئولیت مدنی بر وی، بابت زیان‌های ناشی از حوادث ناشی از کار است. این مصونیت در مواردی به کارگران و گاه به مدیران وی نیز تسری یافته است. این قاعده در حقوق فرانسه در ماده L451-1 قانون تأمین اجتماعی پیش‌بینی شده است^۲ و تنها نسبت به کارفرما و کارگرانی اعمال می‌شود که

1 - Le principe de l'immunité de responsabilité civile de l'employeur et de ses préposés / Immunity of Employers

۲ - این حکم در سال ۲۰۱۰ توسط شورای قانون اساسی فرانسه، منطبق با قانون اساسی دانسته شد. (décision n°) (2010-8 QPC du 18 juin 2010)

زیان دیده در آن کارگاه کار می‌کند و بدان تعلق می‌گیرد؛ در نتیجه، اشخاص ثالثی که حادثه به آنها منتسب است، نه تنها از سوی کارگر زیان دیده برای تقاضای جبران تکمیل‌کننده آنچه از صندوق دریافت نموده‌اند، قابل تعقیب هستند؛ بلکه صندوق تأمین اجتماعی نیز حق اقامه دعوای استرداد بر آنها را بابت مزایایی که پرداخت نموده‌است، دارد (Viney, 2009: 77).

گفته شده است در هیچ‌یک از کشورهای اتحادیه اروپا، مسئولیت مدنی کاملاً حذف نشده و بار جبران خسارت بدنی منحصراً بر عهده تأمین اجتماعی قرار نگرفته است.

باین حال، در بسیاری از این کشورها، جایگزینی جزئی تأمین اجتماعی به جای مسئولیت مدنی مطرح شده است (Magnus, 2002: 280).

در بلژیک (Cousy & Droshout, 2002: 39)، آلمان (Fedtke & Magnus, 2002: 97) و فرانسه (Carval, 2002: 77)، جایگزینی جزئی در زمینه حوادث ناشی از کار، محقق شده و مصونیت کارفرما و کارگران وی (همکاران زیان دیده)، پیش‌بینی شده است؛ هرچند در فرض عمد عامل، زیان این مصونیت اعمال نمی‌شود. در اتریش نیز جایگزینی، جزئی پذیرفته شده و دعوای مسئولیت مدنی کارگر بر کارفرما و مدیران وی (حتی در فرض تقصیر) مسموع نیست و تنها در فرض عمد ایشان است که کاملاً مسئول خواهند بود (Holzer, 2002: 11). در سوئیس نیز کارفرما و همکاران کارگر، از مسئولیت مصون هستند؛ اما این مصونیت، علاوه بر فرض عمد ایشان، در صورت تقصیر سنگین آنها نیز منتفی خواهد بود^۱ (Rumo-Jungo, 2002: 202).

نتیجه این وضعیت چنین خواهد بود که در زمینه حوادث ناشی از کار، خسارت تا سقف مشخصی از سوی نهاد تأمین اجتماعی، بدون توجه به تقصیر عامل زیان، جبران می‌شود؛ اما برای مطالبه مازاد آن از کارفرما، می‌بایست نه تنها تقصیر اثبات شود؛ بلکه تقصیر وی باید عمدی یا غیرقابل اغماض باشد. (Terré, Simler, & Lequette, 2005: 897-899)

۱ - در مقابل در انگلستان (Lewis, 2002: 61) و هلند پس از ۱۹۶۷ اصل مصونیت کارفرما از قوانین این کشور حذف شده و حتی جایگزینی جزئی نیز صورت نگرفته است و کارفرما از مسئولیت مدنی بابت مابه‌التفاوت مزایای تأمین اجتماعی و زیان وارده مصون نیست در نتیجه، در این کشورها تعامل مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی حاکم است، نه جایگزینی (du Perron & van Boom, 2002).

۲-۲-۲. نقد جایگزینی جزئی

در توجیه جایگزینی جزئی و اصل مصونیت کارفرما گفته شده است که حق بیمه پرداختی وی، مابه‌ازای این مصونیت است و آنها با پرداخت حق بیمه تأمین اجتماعی تا حدی، مصونیت خود را خریداری نموده‌اند (Holzer, 2002: 14)؛ همچنین در توجیه آن به آثار دعوای حقوقی بر جو کار در درون شرکت نیز اشاره شده است. (Magnus, 2002: 283)

باین حال به نظر می‌رسد این دلایل، قانع‌کننده نیست و حق بیمه پرداختی از سوی کارفرما نمی‌تواند مبنای معافیت وی از مسئولیت مدنی نسبت به خسارات مازاد بر مزایای تأمین اجتماعی تلقی شود؛ همچنین نسبت به آن دسته از عوامل ورود زیان که تعهدی به مشارکت در طرح تأمین اجتماعی و پرداخت حق بیمه ندارند (همکاران کارگر)، توجیه معافیت آنها بر پایه پرداخت حق بیمه ممکن نیست (Magnus, 2002: 283).

در واقع، همان‌طور که گفته شد، برای اتخاذ یک رویکرد مناسب در زمینه ارتباط مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی، لازم است به این اصل توجه شود که جمع همزمان مزایای آن دو، سبب دارا شدن ناعادلانه زیان دیده نشود و اعمال منحصر یکی از آنها موجب نشود که بخشی از زیان وارده به زیان دیده، بدون جبران باقی بماند.

جایگزینی جزئی مسئولیت مدنی با تأمین اجتماعی و به تبع آن، پذیرش اصل مصونیت کارفرما به عنوان اصل، ممکن است سبب شود که در مواردی، زیان وارده به زیان دیده به‌طور کامل جبران نشود و از این حیث، بین شخصی که در اثر حوادث ناشی از کار، زیان دیده و شخصی که در اثر سایر حوادث زیان دیده است، تبعیض ایجاد شود. محدود کردن رجوع زیان دیده به کارفرما بابت خسارات مازاد بر مزایای تأمین اجتماعی به تقصیر عمدی یا غیرقابل اغماض، مانع رجوع به وی در موارد تقصیر قابل اغماض یا غیرعمدی می‌شود و امکان جبران خسارت زیان دیده را از بین می‌برد؛ علاوه بر این، اتخاذ چنین رویکردی می‌تواند سبب کاهش انگیزه اعمال تدابیر پیشگیرانه در کارفرما شود. (Faure & Hartlief, 2002: 243)

۳-۲. اعمال موازی نظام‌های تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی (جمع مزایای تأمین اجتماعی و جبران خسارت)

مطابق این رویکرد، شخصی که مستحق دریافت مزایا براساس تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی است، حق خواهد داشت از هر دو سیستم، مزایا دریافت نماید. این سیستم، تجمیع^۱ خوانده شده است. (Cane, 2006: 377) در این خصوص گفته شده که در ایالات متحده، چنین قاعده‌ای اعمال می‌شود. بر اساس «قاعده منبع جنبی»^۲، دریافت خسارت، از منبعی غیر از مسئولیت مدنی، مانع اقامه دعوی مسئولیت مدنی از سوی زیان دیده نخواهد بود (درودیان، بادینی و ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۲۶۶).

چهار توجیه اصلی می‌توان برای جمع مزایای تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی ارائه نمود: اولاً، برای امکان یا عدم امکان جمع مسئولیت مدنی و مزایای تأمین اجتماعی می‌بایست ماهیت مزایای تأمین اجتماعی بررسی شود. اگر این مزایا دارای ماهیت جبرانی باشد، امکان جمع آنها با مسئولیت مدنی وجود ندارد و اگر این مزایا غیر جبرانی باشد، امکان جمع آنها وجود دارد. (Viney & Jourdain, 1998: 89)؛ بنابراین، اگر گفته شود که مزایای تأمین اجتماعی، کارکرد جبرانی ندارد، جمع مزایای تأمین اجتماعی و قواعد مسئولیت مدنی ممکن است. ثانیاً، اگر در زمینه خسارات بدنی، استدلال شود که آنچه مطابق قواعد عمومی، کارگر دریافت می‌نماید، ماهیت خسارت ندارد؛ چنانچه در حقوق ایران، برخی معتقدند که دبه ماهیتاً خسارت نیست و مجازات است؛ در این صورت، ممکن است جمع مزایای تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی قابل دفاع باشد (ایزانلو، ۱۳۸۷: ۴۳). ثالثاً، برخی ضرورت اعمال قواعد مسئولیت مدنی در کنار اعطای مزایای تأمین اجتماعی را بر مبنای لزوم حفظ کارکرد بازدارنده مسئولیت مدنی توجیه نموده‌اند. (درودیان، بادینی و ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۲۶۶)؛ چرا که در صورت جمع مزایا، عامل ورود زیان، تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند از زیر بار جبران خسارت بگریزد و در این صورت، نقش مسئولیت مدنی در کاهش رفتار ضد اجتماعی حفظ خواهد شد (بادینی، ۱۳۸۷: ۳۵۴).

1 - cumulation
2- collateral source rule

۷۷ مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی

رابعاً، این استدلال مطرح شده که مزایای تأمین اجتماعی، عوض حق بیمه‌های پرداخت شده است و در نتیجه، نمی‌توان به‌استناد آن، زیان دیده را از حمایت عمومی که برای زیان‌دیدگان از طریق دعوای مسئولیت مدنی وجود دارد، محروم نمود. (درودیان، بادینی و ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۲۶۷)؛ به عبارت دیگر، پرداخت‌های سازمان تأمین اجتماعی، تکلیف قانونی این سازمان به پرداخت مبلغی در ازای دریافت حق بیمه است و مبلغ پرداختی از باب مسئولیت مدنی نیست. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

با این حال، این رویکرد از جهات مختلف انتقاد شده است:

۱. در این حالت ممکن است شخص، بیش از خساراتی که به وی وارد شده است، دریافت نماید و این وضعیت منجر به جبران بیش از حد برای وی می‌شود. (Cane, 2006: 377)؛ در حالی که مطابق قواعد عمومی، رسالت مسئولیت مدنی، تنها برگرداندن زیان دیده به وضعیت قبل از ورود زیان است و نباید زمینه‌ساز دارا شدن زیان دیده شود؛ در واقع، حتی اگر ماهیت مزایای تأمین اجتماعی را جبرانی هم تلقی نکنیم، اعطای این مزایا، سبب کاهش خسارت وارده به زیان دیده می‌شود و در نتیجه، کاستن آنها از خسارت قابل جبران وی بر اساس مسئولیت مدنی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۲. اگر پس از دریافت مزایای تأمین اجتماعی، کارگر بتواند علیه کارفرما دعوای مسئولیت مدنی اقامه نماید، کارگر غرامت مضاعف دریافت نموده است؛ در مقابل، کارفرمایان علاوه بر اینکه مکلفند منابع مالی نظام تأمین اجتماعی را تأمین نمایند، خسارت وارده به کارگران نیز بر عهده آنها قرار می‌گیرد. هزینه این جبران دوگانه، معمولاً از جیب کارگران دیگر آن کارگاه تأمین می‌شود که احتمالاً مجبورند با دستمزد کمتر کار کنند. به این دلایل، شمول نظام تأمین اجتماعی اصولاً نباید با دعوای شخصی مسئولیت مدنی جمع شود (WAGNER, 2012: 10).

۳. نظام‌های حقوقی که تأمین اجتماعی را در کنار مسئولیت مدنی اعمال می‌کنند، بار دوگانه‌ای بر جامعه تحمیل می‌کنند (WAGNER, 2012: 59) که منجر به استفاده نادرست و اسرافکارانه از منابع می‌شود. (Cane, 2006: 377)

۴. برای تحقق بازدارندگی، رجوع کامل زیان‌دیده به عامل ورود زیان بابت جبران خسارت لازم نیست و رجوع وی به میزان مازاد مزایای تأمین اجتماعی، و یا حتی رجوع نهاد تأمین اجتماعی به عامل زیان بابت مزایای ارائه‌شده، کافی خواهد بود و ضرورتی به جمع مزایای تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی برای زیان‌دیده وجود نخواهد داشت. چنانچه گفته شده، بازدارندگی جبران خسارت مضاعف زیان‌دیده را توجیه نمی‌کند. (درودیان، بادینی، ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۲۶۷)

۵. در رد استدلال مبتنی بر عوض حق بیمه بودن مزایای تأمین اجتماعی، نیز گفته شده است: «در قلمرو تأمین اجتماعی نمی‌توان به این استدلال که مبتنی بر حقوق خصوصی است، تمسک جست.» چراکه بین حق بیمه‌های پرداخت‌شده و مزایای ارائه‌شده، رابطه متقابل وجود ندارد (درودیان، بادینی، ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۲۶۷).

۴-۲. تعامل و اثر متقابل مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی

مطابق این رویکرد، قواعد مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی همزمان اعمال می‌شوند؛ اما این به منزله جمع مزایا نخواهد بود و هر یک در هنگام جبران خسارت، طرف مقابل را در نظر می‌گیرند و در واقع، مسئولیت مدنی در کنار تأمین اجتماعی دارای نقش فرعی و تکمیل‌کننده بوده است (Voin, 1979: 542) و درحالی‌که تأمین اجتماعی، نیازهای مالی اساسی زیان‌دیده را تأمین می‌کند، مسئولیت مدنی جبران اضافی‌ای را که به این میزان ضروری نیست تأمین می‌کند (WAGNER, 2012: 36)؛ بدین ترتیب، جبران زیان از سوی نهاد تأمین اجتماعی، مانع اعمال قواعد مسئولیت مدنی نیست و زیان‌دیده حق خواهد داشت بابت مابه‌التفاوت خسارت واقعی، و آنچه تأمین اجتماعی جبران نموده است و نیز خساراتی که از شمول مزایای تأمین اجتماعی خارج است، به عامل زیان رجوع نماید؛ همچنین، نهاد تأمین اجتماعی نیز، تحت شرایطی می‌تواند بابت هزینه‌هایی که متقبل شده به عامل زیان مراجعه نماید (Viney, 2009: 66). درعین حال، امکان جمع مزایای تأمین اجتماعی و جبران خسارت وجود ندارد و مزایای تأمین اجتماعی می‌بایست از خسارت قابل جبران کسر

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی ۷۹

شود.^۱ جنبه دیگر تعامل مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی، استفاده نهاد تأمین اجتماعی از مسئولیت مدنی برای استرداد مزایای پرداختی به زیان دیده از مسئول حادثه است. (Faure & Hartlief, 2002: 228؛ در نتیجه، پس از جبران خسارت از سوی نهاد تأمین اجتماعی، این مرجع حق دارد در قالب دعوای استرداد به عامل زیان مراجعه نماید. (Viney, 2009: 67)؛ باین حال، این دعوا امروزه نه تنها علیه عامل زیان، بلکه علیه بیمه مسئولیت مدنی وی نیز اقامه می شود (Viney, 2009: 73).

از نظر حقوقی، دو مزیت اصلی برای امکان رجوع نهاد تأمین اجتماعی به عامل ورود زیان در نظر گرفته شده است:

۱. رجوع تأمین اجتماعی به عامل زیان، برای تحقق اهداف مسئولیت مدنی نظیر بازدارندگی و عدالت اصلاحی مفید خواهد بود (Cane, 2006: 377) و موجب حفظ نقش اخلاقی و پیشگیرانه مسئولیت مدنی می شود. (Viney, 2009: 73)

۲. رجوع نهاد تأمین اجتماعی به عامل ورود زیان موجب می شود که هزینه اجتماعی جبران کاهش یابد (Viney, 2009: 73) و بار مالی تحمیل شده بر نهاد ارائه دهنده مزایای تأمین اجتماعی تا حدودی جبران شود.

این رویکرد با ویژگی حداقلی بودن مزایای تأمین اجتماعی سازگار است. در واقع، هدف نظام تأمین اجتماعی این است که شرایط حداقلی را برای زیان دیده فراهم آورد، نه جبران کامل خسارت؛ چرا که در جبران خسارت از طریق تأمین اجتماعی، اصل جبران کامل خسارت رعایت نمی شود و خسارت به نرخ مقطوع جبران می شود؛ در نتیجه، ممکن است بخشی از زیان وارده بدون جبران باقی بماند، از جمله از دست دادن کسری از حقوق که از سقف ارائه مزایای تأمین اجتماعی فراتر می رود و عدم امکان جبران برخی زیان های خاص نظیر خسارت معنوی یا خسارت وارده به اموال از طریق تأمین اجتماعی (Voinin, 1979: 554). دلیل عدم جبران کامل خسارت از سوی تأمین اجتماعی نیز اقتصادی است؛ چرا که از یک سو، هزینه بالای جبران کامل

۱ - البته در حقوق ایران با توجه به اینکه در ازای خسارت جانی برای زیان دیده، تنها حق دریافت دیه پیش بینی شده و مطالبه خسارت مازاد بر دیه محل بحث است، گزاره مذکور هم از این جهت که نمی توان مزایای ارائه شده از سوی تأمین اجتماعی را از مبلغ دیه کاست؛ و هم از این جهت که مطالبه خسارت ناشی از درآمد از دست رفته و خسارت معنوی در مبلغ مقطوع دیه مستغرق است، صادق نیست.

خسارت برای نهاد تأمین اجتماعی سبب افزایش حق بیمه‌ها یا تحمیل فشار بیشتر به بودجه‌های عمومی می‌شود.

از سوی دیگر، خسارات غیرمالی برای هر شخص متفاوت خواهد بود؛ درحالی‌که تأمین اجتماعی همواره سطح ثابت و استاندارد از جبران را ارائه می‌کند (Faure & Hartlief, 2002: 228). به دلایل بالا، در غالب کشورهای اروپای غربی، رویکرد سنتی ارائه جبران حداقلی از سوی تأمین اجتماعی است و مسئولیت مدنی در صورتی که شرایط مسئولیت مدنی محقق شود و معمولاً فقط برای آن دسته از زیان‌هایی که تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار نمی‌گیرد، وارد عمل می‌شود (Faure & Hartlief, 2002: 229). تفاوت این رویکرد با جایگزینی جزئی مسئولیت مدنی، عدم پذیرش اصل مصونیت کارفرما از مسئولیت مدنی و امکان مراجعه زیان‌دیده به وی بابت خسارات مازاد بر مزایای تأمین اجتماعی است؛ هرچند نسبت به امکان یا عدم امکان رجوع نهاد تأمین اجتماعی به عامل ورود زیان اختلاف هست؛ در واقع در کشورهایی که جایگزینی جزئی صورت گرفته است، امکان جبران به‌استناد مسئولیت مدنی، به‌صورت فرعی و تکمیلی صرفاً به‌صورت استثنایی پذیرفته شده است؛ درحالی‌که در کشورهایی که تعامل مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی حاکم است، این امکان عمومیت یافته است (Voinin, 1979: 555).

۳. موضع حقوق ایران

در حقوق ایران، دو قول اصلی درخصوص نوع رابطه بین مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی ارائه شده است: برخی معتقدند که در این موارد، سیاست جمع مزایا پذیرفته شده است؛ درمقابل، برخی معتقدند که در این موارد، مسئولیت مدنی؛ نقش مکمل تأمین اجتماعی را ایفا می‌کند و جمع مزایا ممکن نخواهد بود. در ادامه، این نظرها بررسی خواهد شد.

۳-۱. جمع مزایای تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی

برخی معتقدند که پرداخت‌های سازمان تأمین اجتماعی، تکلیف قانونی این سازمان به پرداخت مبلغی در ازای دریافت حق بیمه است و مبلغ پرداختی از باب مسئولیت مدنی نیست. اگر این تحلیل پذیرفته شود؛ هیچ دلیلی برای کسر مزایای تأمین اجتماعی از خسارات قابل جبران وجود ندارد؛ از این رو به اعتقاد ایشان، امکان جمع مزایای تأمین اجتماعی و خسارات قابل جبران وجود ندارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

با توجه دیگری نیز ممکن است جمع مزایای تأمین اجتماعی و آنچه بابت خسارت بدنی پرداخت می‌شود، توجه گردد و آن اینکه در حقوق ایران، دیه؛ ماهیت جبران خسارت ندارد و نوعی مجازات است (ایزنلو، ۱۳۸۷: ۴۳). اداره حقوقی قوه قضائیه نیز طی نظریه مشورتی شماره ۱۳۶۴/۷-۴/۴/۹۵۹ به امکان جمع مزایای تأمین اجتماعی نظر داده است. (ایزنلو، ۱۳۸۷: ۶۱)؛ باین حال، به نظر می‌رسد تردیدی وجود ندارد که دیه؛ ماهیت مدنی داشته و مجازات محسوب شدن آن در برخی متون قانونی را نیز می‌بایست حمل بر مسامحه قانون‌گذار یا اصرار وی برای تبعیت ظاهری از فقه تلقی نمود.

این رویکرد به وضوح با مفاد ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی در تعارض است و آثار ناعادلانه‌ای را در پی دارد؛ چرا که مطابق قاعده، اگر در قوانین مربوطه برای ارائه‌دهنده مزایای تأمین اجتماعی، امکان رجوع به عامل زیان پیش‌بینی شده باشد؛ رجوع نهاد تأمین اجتماعی، جانشین رجوع زیان دیده خواهد شد و در نتیجه، خود زیان دیده حق رجوع مستقیم به عامل ورود زیان را در حدود خساراتی که از سوی تأمین اجتماعی جبران می‌شود، ندارد؛ از این رو، از ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی می‌توان برداشت نمود که امکان جمع مزایای تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی برای زیان دیده وجود نخواهد داشت. (Viney & Jourdain, 1998: 89)؛

۱ - به همین دلیل نیز ایشان معتقدند که سازمان تأمین اجتماعی نباید اصولاً حق رجوع به عامل زیان داشته باشد و ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی را قابل ایراد می‌دانند. ایشان این نظر را این‌گونه توجیه می‌کنند که در این موارد، «سازمان پرداخت‌کننده از وضعیتی که در پیدایی آن نقشی نداشته سوءاستفاده می‌کند؛ مثلاً اگر کسی بر اثر مرگ طبیعی فوت کند سازمان باید مبلغی به خویشان نزدیک او بپردازد؛ ولی اگر همان شخص بر اثر تصادف فوت کند، سازمان؛ وجه پرداختی را از عامل حادثه یا بیمه‌گر او بگیرد؛ بدین ترتیب که سازمان، مبلغی را به دست می‌آورد؛ در حالی که اگر آن شخص چندی بعد بر اثر بیماری فوت کند، سازمان باید همان مبلغ را بدون حق باز پس گرفتن به بازماندگان متوفی بپردازد.» (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۹).

همچنین، جمع مزایای تأمین اجتماعی و دیه و در کنار آن، امکان رجوع سازمان تأمین اجتماعی به کارفرما، ممکن است سبب شود کارفرمایی که حق بیمه تأمین اجتماعی را نیز پرداخت نموده است؛ علاوه بر پرداخت خسارت به سازمان تأمین اجتماعی، دیه نیز بپردازد. باین حال، در عمل در رویه قضایی و رویه سازمان تأمین اجتماعی، این رویکرد پذیرفته شده است. رویه‌ای که موجبات تعجب برخی حقوقدانان را فراهم آورده است و نیازمند بازنگری دانسته شده است (بادینی، ۱۳۸۷: ۶۴).

۲-۳. نقش مکمل مسئولیت مدنی در کنار تأمین اجتماعی^۱

برخی معتقدند که ماهیت پرداخت‌های تأمین اجتماعی، «جبران خسارت» است؛ بنابراین، سازمان به میزان مبالغ پرداختی، قائم مقام زیان دیده می‌شود و کارگر زیان دیده تنها بابت دریافت خسارات مازاد بر مبالغ پرداخت شده از سوی سازمان تأمین اجتماعی، حق رجوع به عامل ورود زیان را دارد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۹۵)؛ علاوه بر این، حق رجوع سازمان تأمین اجتماعی به کارفرما نیز در مواردی که حادثه منتسب به تقصیر کارفرماست به عنوان قاعده پذیرفته شده و اصل مصونیت کارفرما پذیرفته نشده است.

باین حال، اجرای قانون دیات در عمل، اعمال قواعد مسئولیت مدنی به عنوان مکمل تأمین اجتماعی را با مشکل مواجه نموده است. برای رفع این مشکل، برخی حقوقدانان با پذیرش این فرض که دیه، تمام خسارات بدنی اعم از مادی و معنوی را پوشش می‌دهد؛ پیشنهاد کرده‌اند با ارائه یک فرض قانونی، نسبتی از دیه به عنوان جبران خسارت معنوی و خسارات مادی خارج از شمول جبران تأمین اجتماعی، در نظر گرفته شود و در نتیجه، از قلمروی رجوع تأمین اجتماعی خارج شود و در مقابل، نسبتی از آن را بابت خساراتی که با مزایای تأمین اجتماعی جبران می‌شود، در نظر گرفت. ایشان پیشنهاد می‌کنند که در این موارد، بنابر

۱ - برخی معتقدند در حقوق ایران، سیاست رجوع پذیرفته شده است. (ایزائلو، ۱۳۸۷، ص. ۳۰)؛ با این حال، به نظر می‌رسد علاوه بر سیاست رجوع در حقوق ایران، کسر مزایای تأمین اجتماعی از خسارت قابل جبران نیز پذیرفته شده است؛ بنابراین، بهتراست در این زمینه عنوانی عام‌تر پذیرفته شود.

۲ - «دیه از آنجا که چهره جبران خسارت دارد (هرچند همزمان دارای چهره کیفری است)، نمی‌تواند با پرداخت‌های غرامتی تأمین اجتماعی بی‌ارتباط باشد.» (بادینی، ۱۳۸۷، ص. ۴۷)

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی ۸۳

اصل، باید به تساوی حکم داد و در نتیجه، ۵۰ درصد دیه معادل مزایای سازمان تأمین اجتماعی و ۵۰ درصد دیگر آن، معادل خسارات خارج از شمول تأمین اجتماعی در نظر گرفته شود. با این تحلیل در مواردی که در اثر حادثه ناشی از کار صدمه‌ای به شخص می‌رسد، وی حق دارد علاوه بر مزایای تأمین اجتماعی بابت ۵۰ درصد دیه نیز به عامل ورود زیان مراجعه کند. (ایزنلو، ۱۳۸۷: ۴۵)؛ باین حال، به نظر می‌رسد این پیشنهاد از چند جهت قابل ایراد است: اولاً، همان‌طور که خود ایشان متذکر شده‌اند، این فرض یک «فرض قانونی» است که ایجاد آن، مستلزم تصویب قانون از سوی قوه مقننه خواهد بود؛ در نتیجه، پیشنهاد مذکور در حال حاضر مشکل نحوه کسر مزایای تأمین اجتماعی از میزان دیه را حل نمی‌کند.

ثانیاً، ظاهراً پیشنهاد مذکور مبتنی بر این فرض است که خسارت مازاد بر دیه قابل جبران نباشد؛ چرا که اگر خسارت مازاد بر دیه قابل جبران بود، دلیلی نداشت که تلاش شود تمام خسارات بدنی مادی و معنوی در قالب دیه مقطوع گنجانده شود؛ در حالی که مطابق نظر مشهور حقوقدانان، خسارت مازاد بر دیه قابل جبران است و مبلغ دیه تنها فرضی است که در مورد میزان خسارت قابل جبران که خلاف آن قابل اثبات است. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۶۳) امکان مطالبه خسارت مازاد بر دیه در سالیان اخیر در مواردی از سوی قانون‌گذار از باب تسبیب نیز پذیرفته شده است.

تردیدی وجود ندارد خسارتی که در اثر مصدوم شدن یک شخص شاغل و سلب امکان اشتغال وی وارد می‌شود، بیش از خسارتی است که به یک شخص بیکار وارد می‌شود: «بازداشت بیکاره‌ای که احتمال کار او چندان ناچیز است که به حساب نمی‌آید، استحقاق دستمزد گرفتن ایجاد نمی‌کند؛ ولی هرگاه ظن کارکردن به اندازه‌ای قوی باشد که در دید عرف، مسلم به نظر آید، در ایجاد ضرر نباید تردید کرد.» (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۵۳)؛ بدین ترتیب، اگر فرض کنیم شخص بیکاری که در اثر صدمه، از کار افتاده می‌شود؛ مستحق معادل N ریال دیه است؛ اگر وی شاغل باشد، شخص؛ مستحق خسارتی بیش از میزان دیه خواهد بود؛ بنابراین، در فرض از کار افتادگی کارگران مشمول قانون تأمین اجتماعی، علی‌القاعده خسارتی بیش از میزان دیه به آنها پرداخت خواهد شد؛ در نتیجه می‌توان گفت که غالباً مزایای سازمان تأمین اجتماعی، معادل آن چیزی است که خسارت مازاد بر دیه محسوب می‌شود. با این تحلیل، زیان دیده می‌تواند تمام

دیه را به علاوه مزایای تأمین اجتماعی دریافت کند و این وضعیت به منزله جبران مضاعف نخواهد بود؛ بلکه در راستای اجرای اصل جبران کامل خسارت است؛ به هر حال، این تفسیر نیز نتایج ناعادلانه‌ای در پی دارد و تحمیل تکلیف به پرداخت حق بیمه و پرداخت دیه در کنار رجوع سازمان تأمین اجتماعی به کارفرما بر اساس ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی منطقی نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

برخلاف تفاوت‌های ماهوی که از حیث ماهیت، هدف، مبنا و نحوه ارائه مزایا بین مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی وجود دارد؛ این دو از یک جهت مشترک هستند و آن این است که کارکرد هر دو، جبران آثار زیانباری است که به برخی اشخاص وارد می‌شود؛ هر چند در تأمین اجتماعی، این امر با نگاه به نیاز زیان دیده و به صورت حداقلی صورت می‌گیرد؛ اما در مسئولیت مدنی، این امر با توجه به عمل عامل ورود زیان و به صورت کامل صورت می‌گیرد.

با توجه به اینکه در مواردی ممکن است شرایط اعمال قواعد تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی وجود داشته باشد؛ رویکردهای مختلفی در خصوص نحوه اعمال آنها اتخاذ شده است. برخی معتقد به جایگزینی کامل مسئولیت مدنی با تأمین اجتماعی هستند و عقیده دارند با وجود یک نظام تأمین اجتماعی جامع، دیگر ضرورتی به وجود نظام پرهزینه مسئولیت مدنی وجود ندارد؛ برخی معتقد به اعمال موازی نظام تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی بدون هیچ‌گونه وابستگی متقابل بین آنها هستند که از منظر زیان دیده، به معنای جمع تمام جبران‌های ممکن است. بین این دو رویکرد افراطی، راه‌حل‌های میانه‌ای نیز وجود دارد که براساس آنها، تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی می‌بایست جایگاه یکدیگر را لحاظ کنند؛ در برخی نظام‌های حقوقی، جایگزینی جزئی تأمین اجتماعی پذیرفته شده که بر اساس آن، تأمین اجتماعی در حوزه‌های خاص (به خصوص حوادث ناشی از کار)، جایگزین مسئولیت مدنی شده است. رویکرد دیگر، تعامل مسئولیت مدنی و تأمین اجتماعی است که بر اساس آن، مزایای ارائه شده از سوی تأمین اجتماعی از مسئولیت مدنی کسر می‌شود.

مطالعه تطبیقی رابطه حقوق تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی ۸۵

در هر حال، آنچه باید در پذیرش هریک از رویکردهای یادشده مدنظر قرار گیرد، این است که با اعمال قواعد تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی، نه باید زیان دیده دارا شود و بیش از زیانی که به وی واردشده، دریافت نماید و نه زیان دیده از جبران بخشی از زیانی که به وی وارد آمده، محروم گردد و عامل ورود زیان به نحو غیرقابل توجیهی از مسئولیت مبرا شود. با توجه به این ضابطه، به نظر می‌رسد تعامل تأمین اجتماعی و مسئولیت مدنی، در قالب ارائه مزایای تأمین اجتماعی و ایفای نقش مسئولیت مدنی به عنوان مکمل آن از طریق امکان مطالبه خسارات مازاد بر خسارات جبران شده از سوی تأمین اجتماعی و نیز امکان رجوع نهاد تأمین اجتماعی به مسئول حادثه براساس مسئولیت مدنی بابت خسارت قابل جبران، عادلانه‌تر و مطلوب‌تر است و می‌تواند با اهداف لزوم جبران کامل خسارت وارده به زیان دیده، لزوم بازدارندگی و نیز لزوم اجتناب از جبران خسارت مضاعف و دارا شدن زیان دیده، سازگار باشد. رویه جاری که در حقوق ایران، در خصوص جمع مزایای تأمین اجتماعی و دیه پذیرفته شده است، به هیچ عنوان قابل قبول نیست و علاوه بر اینکه ممکن است سبب دارا شدن ناعادلانه زیان دیده شود؛ مسئولیت مضاعفی بر کارفرما تحمیل می‌کند که به هیچ وجه عادلانه نخواهد بود؛ با این وجود، با توجه به تفکر حاکم بر رویه قضایی و نیز با توجه به فرار گرفتن دعاوی مربوط به مطالبه دیه در صلاحیت دادگاه‌های کیفری، تغییر در این رویه بدون مداخله قانون‌گذار بعید به نظر می‌رسد و هرچه سریع‌تر، دخالت قانون‌گذار به منظور رفع ناعدالتی‌های موجود در رویه فعلی، ضروری به نظر می‌رسد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف- منابع فارسی

۱. استوارسنگری، کوروش (۱۳۸۴). حقوق تأمین اجتماعی. تهران: میزان.
۲. ایزانلو، محسن (۱۳۸۷). «استرداد مزایای تامین اجتماعی از محل دین مسئولیت مدنی (مطالعه تطبیقی)» فصلنامه حقوق ۳۸، شماره ۱: ۲۹-۴۹.
۳. بابایی، ایرج (۱۳۹۴). حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد، تهران: میزان.
۴. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. بادینی، حسن (۱۳۸۷). «قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام‌های جبران خسارت (مسئولیت مدنی، بیمه و تأمین اجتماعی)»، مجله حقوق (۳۱)، شماره ۲، صص ۷۸-۳۸.
۶. درودیان، حسنعلی، حسن بادینی و محسن ایزانلو (۱۳۸۴). «رجوع سازمان تأمین اجتماعی به عامل ورود زیان و بیمه‌گر او»، فصلنامه تأمین اجتماعی (۲۳)، صص ۱۲۹۶-۱۲۶۲۶.
۷. صفایی، حسین و حبیب‌الله رحیمی (۱۳۹۲). مسئولیت مدنی، تهران: سمت.
۸. عراقی، عزت‌الله، حسن بادینی و مهدی شهابی (۱۳۸۶). درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی، جلد اول: قواعد عمومی. تهران: دانشگاه تهران.

ب- منابع انگلیسی

1. Bermingham, V. , & Brennan, C. (2011). *Tort Law Directions*. Oxford: OUP Oxford.
2. Cane, P. (2006). *Atiyah's Accidents, Compensation and the Law*. Cambridge: Cambridge University Press.
3. Cane, P. (1997). *The Anatomy of Tort Law*. Oxford: Hart Publishing.
4. Carval, S. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In France". In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 74-85). Vienna: Springer.
5. Comande, G. , & Poletti, D. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In Italy". In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 134-148). Vienna: Springer.

6. Cousy, H. , & Droshout, D. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In Belgium", In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 27-56). Vienna: Springer.
7. Du Perron, C. E. , & van Boom, W. H. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In Netherland". In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 149-165), Vienna: Springer.
8. Faure, M. , & Hartlief, T. (2002). "Social Security versus Tort Law as Instruments to compensate Personal Injuries: A Dutch Law and Economics Perspective". In U. Magnus(ed.), *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 222-265). Vienna: Springer.
9. Fedtke, J. , & Magnus, U. (2002). The Impact Of Social Security Law On Tort law In Germany. In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 86-116). Vienna: Springer.
10. Fleming, J. G. (1984). "IS THERE A FUTURE FOR TORT?" *LOUISIANA LAW REVIEW* , 44, 1193-1212.
11. Holzer, W. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In Austria". In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 7-27). Vienna: Springer.
12. Lewis, R. (2002). " The Impact Of Social Security Law On private Tort law In England And Wales", In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 56-74). Vienna: Springer.
13. Lunney, M. , & Oliphant, K. (2013). *Tort Law: Text and Materials*. Oxford: OUP Oxford.
14. Magnus, U. (2002). "Impact Of Social Security Law On Tort law concerning compensation of personal injuries-comparative report", In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 266-306). Vienna: Springer.
15. Magnus, U. (2002). Magnus, U. " Impact Of Social Security Law On Tort law concerning compensation of personal injuries-comparative report." , In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 266-306). Vienna: Springer.
16. Magnus, U. , & van Boom, W. H. (2004). *Unification of Tort Law: Contributory Negligence*. Kluwer Law International.

17. Pieters, D. (2006). *Social Security: An Introduction to the Basic Principles*. Kluwer Law Intl.
18. Rumo-Jungo, A. (2002). "The Impact Of Social Security Law On Tort law In Switzerland", In U. Magnus, *The Impact Of Social Security Law On Tort law* (pp. 188-222). Vienna: Springer.
19. SKOGH, G. (1980). "PUBLIC INSURANCE AND ACCIDENT PREVENTION", *International Review of Law and Economics* , 67-80.
20. Sugarman, S. D. (1985). "Doing Away with Tort Law", *California Law Review* , 73 (3), 555-664.
21. WAGNER, G. (2012). "TORT, SOCIAL SECURITY, AND NO-FAULT SCHEMES: LESSONS FROM REAL WORLD EXPERIMENTS", *DUKE JOURNAL OF COMPARATIVE & INTERNATIONAL LAW* , 23 (1), 1-61.

ج- منابع فرانسه

22. Saint-Pierre, A. (1955). "La sécurité sociale", *L'ACTUALITÉ ÉCONOMIQUE* , 31 (2), 195-219.
23. Terré, F. , Simler, P. , & Lequette, Y. (2005). *Droit civil: les obligations*. Paris: Dalloz.
24. Viney, G. (2009). *Introduction à la responsabilité*. Paris: L. G. D. J.
25. Viney, G. , & Jourdain, P. (1998). *Les conditions de la responsabilité*. Paris: L. G. D. J.
26. Voirin, M. (1979). "De la responsabilité civile à la sécurité sociale pour la réparation des dommages corporels Extension ou disparition de la branche accidents du travail", *Revue internationale de droit comparé* , 31 (3), 541-581.